

جمعیت و توسعه

علی اصغر اسمعیل پورروش
عضو هیات علمی گروه جغرافیا

.... ادامه قسمت اول

نسبت جنسی

اهمیت نسبت جنسی در چند دهه اخیر همگام با فرصتهایی که در جهت کسب فرصتهای شغلی و موقعیتهای اجتماعی مساوی با مردان ایجاد شده کم کم به نفع زنان تغییر ماهیت داده است. اکنون زنان خواستار سهم بیشتری در بازار کار بوده و آنان به عنوان مثال در صنایع نوپای الکترونیک کشورهای تازه صنعتی شده آسیایی به جایگاههای اقتصادی دست یافته‌اند. در حالی که در چین نسبت جنسی در اولین زایمان یکسال است ولی در زایمانهای بعدی نسبت نوزادان پسر بیشتر می‌شود. این پدیده را در کره جنوبی و تایوان نیز می‌توان مشاهده کرد.

تکنیکهای جدید تعیین جنسیت که در جامعه چین مسئله مهمی است شامل استفاده از روش amniocentesis در کره و تایوان و استفاده از امواج مافوق صوت در کشور چین می‌باشد. نتیجه کمبود فرزندان دختر باعث ایجاد بزرگترین گروه مردان مجرد ناکام جهان در آن جوامع خواهد شد. با توجه به آخرین پیش بینی‌های به عمل آمده تا سال ۲۰۲۰ آمار مردان چینی مجرد بیش از کل جمعیت زنان تایوان خواهد بود. به علاوه افزایش مازاد جمعیت مردان در چین، در برخی از نواحی از جمله شانگهای احتمالاً سبب سقوط شدید آمار باروری حتی تا زیر خط جایگزینی خواهد شد.

ساختار سنی

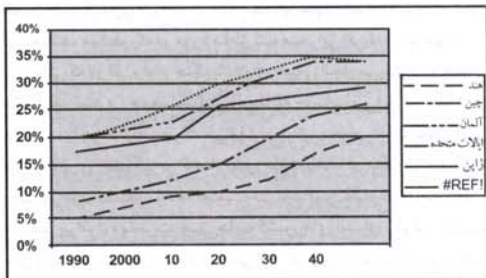
اکنون این نظر به به طور گسترده پذیرفته شده است (اگر چه با یک تأخیر نسبی) که یکی از دلایل ضمنی جمعیت‌شناسی مربوط به کاهش رشد طبیعی در بسیاری از کشورهای جهان دگرگون شدن ساختار سنی جمعیت است. متأسفانه موفقیت در به کنترل در آوردن آنچه که اصطلاحاً «انفجار جمعیت» نامیده می‌شود باعث افزایش خطر بالا رفتن ساختار سنی بالای جمعیت شده و این مسئله‌ای است که پیش بینی می‌شد. به همین نحو کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر ایالات متحده، انگلستان و ژاپن اکنون به مسئله پی برده‌اند که ویژگی‌های کشورهایی که دارای نرخ پایین رشد جمعیت هستند افزایش جمعیت افراد سالمند می‌باشد. پیترسون معتقد است که این امر سبب افزایش مشکل وابستگی افراد سالمند می‌گردد و این مسئله‌ای است که تمامی کشورها با آن مواجه‌اند.

در سال ۲۰۰۰، ۱۶ درصد جمعیت چین ۶۰ سال به بالا بوده است. بسیاری از مردم نگرانند که جمعیت چین زیاد شده است. خطر زرد-ولی

امروزه نگرانی اصلی آنها بابت این مسئله است که در آینده افراد شاغل کمی برای حمایت و پشتیبانی از جمعیت رو به افزایش قشر بازنشستگان خواهد بود. این مشکل که بعضی از آن به عنوان انفجار جمعیتی یاد می‌کنند در همه جا وجود دارد ولی برای کشورهای در حال توسعه یک خطر جدی محسوب می‌شود.

در اکثر نقاط چین کارگران ماهر برای اولین بار در میان افراد هم نسل خود طعم فقر و ناامنی را می‌چشند. تک فرزندها (مخصوصاً آنهایی که در فاصله سالهای ۵-۱۹۵۰ متولد شده‌اند) هم اکنون فشار اصلاحات اقتصادی را تحمل می‌کنند. رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیت‌شناسی در دانشگاه فودن معتقد است که (یک نسل بایدبهای اصلاحات اقتصادی چین را بپردازد) افرادی که الگوی تک فرزندی را رعایت کرده‌اند تا الان هم سهم خود را از این بدقابالی داشته‌اند: آنان متعلق به یک گروه سنی بزرگ با وضع بهداشتی و آموزشی بسیار ضعیف هستند و در طول دوران انقلاب فرهنگی متحمل دشواریهای بسیاری شده‌اند.

در چین حداقل به ۵۵-۳۰ میلیون کارگر نیازی نیست. بسیاری از زوجهایی که الگوی تک فرزندی را رعایت کرده‌اند در دوران سالمندی فقط یک فرزند خواهند داشت که از آنها حمایت کند. (آنها در تمام نقاط جهان دشوارترین و غیر قابل حل‌ترین مشکلات را تحمل می‌کنند) با کاهش تعداد افراد شاغلی که از این بازنشستگان حمایت می‌کنند، تعداد بازنشستگان به سرعت افزایش یافته است. بانک جهانی می‌گوید «در چین بار اقتصادی سنگین افراد سالمند، با هزینه‌های بالا بر دوش منابع اقتصادی مبتنی بر درآمدهای متوسط متحمل می‌باشد».



نگاره (۱): درصد بالای جمعیت ۶۰ سال به بالا

مسئله جهانی کهولت سن

مسئله جهانی کهولت سن پدیده‌ای غیرقابل اجتناب است. تا سال ۲۰۳۰ در قبال هر فرد بازنشسته ۱/۵ فرد شاغل و پرداخت کننده مالیات در جهان توسعه یافته وجود خواهد داشت. امروزه آمار ۳ به ۱ است و هم اکنون این روند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نظیر چین اتفاق می‌افتد. افزایش استانداردهای سطح زندگی و پیشرفت در وضعیت درمانی به این روند کمک کرده‌اند. همانگونه که کاهش موالید (که نتیجه آن انفجار قریب‌الوقوع جمعیت بازنشستگان در کشورهای در حال توسعه است) و کاهش میزان باروری تقریباً در همه نقاط جهان به این مسئله کمک کرده است. در سراسر جهان نوعی کاهش ناگهانی در آمار باروری رخ داده و از سطح ۲/۷ کمتر و به سطح ۲/۱ جایگزینی جمعیت نزدیک می‌شود. جهان در حال توسعه به استثنای اکثر نقاط شبه صحرایی افریقا هم اکنون این کاهش نرخ باروری را تجربه می‌کند و جمعیت افراد سالخورده در کشورهای در حال توسعه در حال حاضر با روند رشد بیشتری از کشورهای توسعه یافته ادامه دارد.

در سطح کشوری این مسئله به پذیرش نیروی کار مهاجر مستهی خواهد شد و در واقع این اتفاقی است که در کشورهای اروپایی در حال وقوع بوده و تا این زمان غیر اروپاییها حدود ۱۰ درصد جمعیت کشورهای اروپایی را تشکیل می‌دهند. مسئله جهانی کهولت سن به معنای افزایش میزان بازنشستگی و هزینه‌های بهداشتی درمانی به همراه تغییر ساختارهای اقتصادی است. گزارش بانک جهانی با عنوان (برطرف کردن بحران سالمندی) که در ۱۹۹۴ منتشر شده به چگونگی وقوع این پدیده و نحوه برخورد با رفع این موضوع می‌پردازد. ولی حل این مشکلات - با سرمایه گذاری و پس‌انداز بیشتر و یا بازنشستگی دیرتر - حتی در کشورهای توسعه یافته مستلزم مواجه شدن با مشکلات عظیمی است. در کشورهای کوچک و در حال توسعه این مسائل غیر قابل حل به نظر می‌آید.

مهاجرت

از سه متغیر زادوولد، مرگ و میر و مهاجرت که بطور مستقیم بر آمار جمعیت تأثیر می‌گذارد، طبیعتاً مهاجرت عاملی است که در دراز مدت اهمیت کمتری دارد، اگر چه از جنبه منطقه‌ای ممکن است تأثیرات مهمی داشته باشد. همانطور که در مورد مناطق شبه صحرایی افریقا دیدیم مهاجرت بین ایالتی که در اثر وقوع جنگ یا بلایای طبیعی انجام می‌پذیرد به عنوان عاملی قدرتمند در جمعیت‌شناسی افریقا به حساب می‌آید. در غیر این صورت مهاجرت از آن نظر که می‌تواند بر ترکیب جمعیت یک کشور مؤثر بوده و تأثیری چشمگیر بر اقتصاد کشور داشته باشد، در هنگام ارائه هرگونه بحث پیرامون مسئله توسعه اهمیت می‌یابد. این نکته در هنگام بحث مختصر پیرامون مهاجرت چینی‌ها به کشورهای آسیای شرقی اهمیت می‌یابد. ولی مثالهای بسیاری رامی‌توان در این رابطه ارائه کرد نظیر مهاجرت آسیاییهای ساکن مناطق جنوبی (هندی‌ها) مهاجرت مکزیک‌ی‌ها و سایر اقوام امریکای لاتین به ایالات متحده امریکا و مهاجرت‌های امروزه

مردم از اروپای شرقی یعنی از اتحاد جماهیر شوروی سابق، لهستان، مجارستان، جمهوری چک، رومانی و بلغارستان به کشورهای اروپای غربی، در مورد دلایل مهاجرت بین‌المللی نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است. در مورد مهاجرت مردم از اروپای شرقی به اروپای غربی مرکز بین‌المللی سیاستهای مهاجرت اتریش تخمین زده است که سالانه حداقل ۴۰۰۰۰۰ نفر به طور غیرقانونی وارد کشورهای اتحادیه اروپایی می‌شود و دلیل مهاجرت آنها هرچه که باشد معمولاً سعی می‌کنند تا تقاضای پناهندگی بنمایند. با این وجود تشخیص درست عوامل «جذب کننده» و «دفع کننده» عملاً کار آسانی نیست و به همان نحو در اولویت بودن عامل اقتصادی را هم نمی‌توان همواره به راحتی ثابت نمود.

پناهندگی

پناهندگی مشکلی است که از مسائلی از قبیل سیل، خشکسالی، زلزله، انفجارهای آتشفشانی، تندبادها و بادهای جزرمدی و یا جنگ و نزادکشی سرچشمه می‌گیرد.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ در شانگهای کنترل میزان زادوولد و باروری و اجرای سیاست هر خانواده یک فرزند برای مدت طولانی اجراء شد. در پنج دهه، طول عمر متوسط افراد به ۳۳ سال افزایش پیدا کرد و آمار مرگ و میر بعضی مواقع از آمار موالید در افراد ساکن در شانگهای بیشتر بوده است. ولی مهاجران غیرقانونی به تدریج وارد شانگهای شدند و اکنون چیزی حدود یک پنجم جمعیت شانگهای را تشکیل می‌دهند.

کوچ چینی‌ها

در بحث مختصری که در مورد مهاجرت چینی‌ها به کشورهای جنوب شرقی آسیا ارائه شد، این موضوع را نباید فراموش کرد که چینی‌ها به نقاط دیگری مخصوصاً به کشورهای غربی نظیر ایالات متحده و کانادا و اروپای غربی نیز مهاجرت کرده‌اند. همانطور که وینچستر اشاره می‌کند مهاجرت چینی‌ها به کشورهای خارجی (بزرگترین کوچ جهان است) تعداد چینی‌هایی که به کشورهای خارجی از جمله کشورهای جنوب شرقی مهاجرت کرده‌اند و در پنج ایالات منطقه مستقر شده‌اند را نشان می‌دهد. در اندونزی بیش از ۴ میلیون چینی وجود دارد که چیزی حدود ۳٪ جمعیت را تشکیل می‌دهد. در مالزی این رقم بیشتر است و تقریباً ۵ میلیون چینی در آنجا زندگی می‌کنند. ولی در آن کشور چینی‌ها درصد بالاتری از جمعیت را (چیزی حدود ۳۰٪ الی ۳۵ درصد کل جمعیت) تشکیل می‌دهند. درصد چینی‌های برونری تقریباً ۳۰٪ است و در فیلیپین کمتر از یک میلیون چینی زندگی می‌کنند که حدود ۵/۱ درصد کل جمعیت آن کشور را شامل می‌گردند. سنگاپور بالاترین درصد چینی‌ها را دارد (۷۶٪) در پنج کشور مجموعاً چیزی حدود ۱۲ میلیون چینی زندگی می‌کنند. اگرچه تعداد چینی‌های ساکن آسیای جنوب شرقی که شامل هنگ کنگ، تایوان و ویتنام نیز می‌باشد چیزی حدود ۴۰ میلیون نفر است. با در نظر گرفتن انگیزه‌های این مهاجرت عظیم، تمامی شواهد حاکی از این است که انگیزه اصلی مسائل اقتصادی

می‌باشد. بسیاری از مهاجران از استانهای پرجمعیت جنوب شرقی چین از گانگدوانگ، فوجیان، گونکسی یعنی مناطقی که در آنجا فقر و خشکسالیهای پیاپی امری بسیار رایج بوده به این مناطق آمده‌اند. واضح است که دلایل اقتصادی آنان را مجبور کرده تا خانه و کاشانه خود را رها کنند ولی تا حد زیادی منازعات داخلی سیاسی و ناامنی‌های فیزیکی نیز یکی از دلایل مهاجرت بوده است. موضوعی که نیاز به تفسیر و تحلیل دارد این است که آیا انگیزه‌های دافعه اقتصادی همانطور که اکثراً مطرح می‌گردد تنها دلیل مهاجرت می‌باشد یا خیر. قطعاً جذابیت‌های اقتصادی بسیار قوی چینی‌ها را تشویق کرده است تا برای زندگی بهتر به آن سوی آنها بنگرند. در این بخش موضوع مورد علاقه ما بررسی تأثیر چینی‌های مقیم خارج از کشور بر توسعه کشورهای مختلف منطقه می‌باشد. شکی نیست که این موضوع ارزش توجه را دارد. بعضی‌ها معتقدند که چینی‌های ساکن مناطق جنوب شرق آسیا به عنوان عمل‌تسریع‌کننده در روند توسعه اقتصادی منطقه نقش بسیار حیاتی داشته و دارند. همانطور که ردینگ (۱۹۹۰) اشاره می‌کند. توضیح ناخالص حدود ۴۰ میلیون نفر چینی که در خارج از کشور چین زندگی می‌کنند دو سوم ۱/۲ میلیارد چینی است که در کشور زندگی می‌کنند. در شبه جزیره مالزی، چینی‌ها حدود ۴۰٪ از فعالیتهای بخش صنفی را تحت کنترل داشته و به توسعه اقتصادی این کشور خدمات بسیار ارزنده‌ای نموده‌اند. همچنین در ساراواک اکثر ساکنین غیربومی آن چینی هستند در دره‌های مناطق پرجمعیت کرانه‌ای نوار جنوبی که از سطح توسعه نسبی برخوردار است زندگی می‌کنند. چینی‌ها همچنین اکثریت جمعیت شهرنشین در ساراواک را تشکیل می‌دهند و ۶۰٪ جمعیت کوچک پایتخت ساراواک، چینی هستند. در مالزی نیز اکثریت اندونزی غالباً صیحت دارد در اندونزی چینی‌ها بخش بازرگانی کشور را در دست دارند. مخصوصاً چینی‌ها در سطوح بالا، در بخش سرمایه‌گذاری کلان و تکنولوژی پیشرفته، امور بازرگانی کشور را در دست دارند. چینی‌ها بازار کالا را نیز در دست دارند. شرکت‌های خصوصی چینی به سرعت در حال رشد هستند و شرکت‌های چینی در دریانوردی و کشتیرانی تسلط دارند. در فیلیپین چینی‌ها ۴۰٪ از کل دارائی‌های بانک‌های خصوصی را در تملک خود دارند. واضح است که در حیات اقتصادی کشورهای آسیای جنوب شرقی، چینی‌ها عاملی مهم به حساب می‌آیند.

دلیل موفقیت متعدد و گوناگون است، دلیل موفقیت چینی‌ها را در منطقه می‌توان اینگونه توضیح داد: انگیزه بالای آنها (که از موقعیت اجتماعی آنها به عنوان مهاجر سرچشمه می‌گیرد) شیوه کارکردن آنها که به نژاد کنفوسیوسی و هوش و ذکاوت آنها در تجارت مربوط می‌باشد و نقش شبکه اقتصادی چین. همچنین این نظریه کاملاً پذیرفته شده است که چینی‌ها در مقطع زمانی مناسب و در موقعیت مکانی مناسب در جهان قرار گرفته‌اند. آنها مهارت‌ها، خلق و خوی، انگیزه، تجربه و فرهنگ شهرنشینی را مطابق با فرهنگ استعماری اروپایی به طور همزمان دارند. بعلاوه گفته می‌شود که چینی‌ها افرادی سخت‌کوش، با قناعت و بردبار بوده و تمایل دارند تا در مقابل فروش واحد، سود کم عایدشان بشود. آنها از نظر نژادی سخت‌کوش و

قوی هستند و گاهی اوقات به طرز وحشتناکی سازش ناپذیرند. تمایل آنها به بازی و استراحت هم بسیار آشکار است. اینکه چینی‌ها خدمات بسیار مهم و حتی حیاتی به رشد اقتصادی سنگاپور، مالزی، برونی، اندونزی، فیلیپین نموده‌اند، مسئله‌ای غیر قابل انکار است. (به عنوان بنیانگذار در تجارت و بازرگانی چینی‌های خارج از کشور همچنان به عنوان یک کاتالیزور در رشد اقتصادی آن کشورها عمل می‌کنند). آنها به عنوان اعضای همیشه حاضر و بخش جدایی‌ناپذیر تاروپود همه کشورهای بین ویتنام و هند و لوزان و تی مور توصیف می‌گردند. میزان و گستره مشکلاتی که اساساً پناهندگان و سایر رانده‌شدگان از خانه و کاشانه خود با آن مواجه هستند بسیار زیاد است. و از آوریل سال ۱۹۹۹ مهاجرتهای عمده دیگری نیز در سایر نقاط جهان نظیر کوزوو و تی مور شرقی انجام پذیرفته است. تاریخ پنجاه سال اخیر - مخصوصاً دهه ۱۹۹۰ - دورانی است که ما شاهد تبعید اجباری مردم از سرزمین‌هایشان، نژادکشی و سوء استفاده از حقوق بشر هستیم، دفتر کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل تخمین زده است که در حال حاضر بیش از ۲۵ میلیون نفر مجبور به ترک کشورهای خود شده و ۲۵ میلیون نفر دیگر در داخل کشورهای خود از روستاهایشان خارج شده و توانایی برگشت ندارند. این پناهندگان را جهان چهارمی می‌نامند، افرادی که فاقد هرگونه حق و حقوق، خانه و کاشانه و یا امید بازگشت به وطن هستند. ولی آمار رسمی تنها به مهمترین موارد اشاره می‌کند. درجهانی که به سرعت روند جهانی شدن را طی می‌کند و جمعیت در فقیرترین نقاط جهان به سرعت رشد می‌کنند، فقر فلاکت‌بار، میلیونها نفر از پناهندگان را از سرزمینهای خود فراری داده است. جابجایی‌های داخلی جمعیت نیز از نقطه نظر انسان دوستانه به همان اندازه کوچ‌های متعارف از سرزمینی به سرزمین دیگر دارای اهمیت است و یکی از جنبه‌های فرآیندهای پدیدینه پناهندگان این است که تنها تعداد اندکی از آنها به سرزمینهای خود برمی‌گردند. در طول چند دهه اخیر، این نوع جابجایی‌ها در خارج از اروپا بسیار بیشتر بوده است. بزرگترین کوچ قرن بیستم شامل کوچ یهودیها و ارمنه است که از قتل عام فرار کرده‌اند. جابجایی عظیم اجباری مردم در زمان استالین، و فرار میلیونها نفر از نظام کمونیستی از هم پاشیده شده بیش از بیست کشور در اثر فشار جمعیت گریزان در طی این چند دهه رخ داده است. سرنوشت پناهندگان یا افراد جابجا شده بسیار دشوار است.

از نظر جهانی اسباب عدم پذیرش پناهندگان مهیا است و حکومتها برای ایجاد موانع فیزیکی و اجرایی بر سر راه روند پناهندگان بسیار سریع عمل می‌کنند و همانطور که کالینز (۱۹۹۵) اشاره می‌کند تلاشی‌ها که برای اسکان مجدد پناهندگان انجام می‌شود به راحتی می‌تواند دچار سوء تفاهم شده و از مسیر اصلی خارج شود.

جنبه‌های کیفی

از نقطه نظر توسعه، در هنگام تلاش جهت توضیح سطوح مختلف توسعه بین کشورهای مختلف، آنچه که اهمیتی بس فراتر از تعداد (کمیت) جمعیت دارد، کیفیت جمعیت است. بخش مهمی از پاسخ به این سؤال نه در موهبت

وجود منابع طبیعی ونه در میزان جمعیت کشورها بلکه در قدرت مهارتها و سازماندهی افراد آن نهفته است. به این نکته قبلاً در قسمت قبلی در هنگام بحث پیرامون چینی‌های ساکن اروپای شرقی اشاره شد. در اینجا ما به بعضی از شاخصهای «کیفیت» مخصوصاً بهداشت و تحصیلات می‌پردازیم.

بهداشت

جدول (۲) بیانگر بهداشت در چند کشور منتخب جهان در حال توسعه یا در نظر گرفتن چند شاخص می‌باشد: موفقیت در تصفیه آب، امکان دستیابی به بهداشت و آمار مرگ و میر نوزادان. سایر شاخصهایی که بعضی وقتها در نظر گرفته می‌شود عبارتند از تعداد افرادی که تحت پرستاری یک نفر می‌باشد، تعداد کودکانی که توسط کادر پزشکی به دنیا می‌آیند و درصد کودکانی که در هنگام تولد دارای وزن کمی می‌باشند. از آمار موجود - که البته فاصله زیادی نیز در آن وجود دارد - اندونزی و فیلیپین بدترین وضعیت را داشته و در بعضی از جنبه‌ها سنگاپور، هنگ کنگ و ژاپن وضع بهتری دارند. در مورد آمار مرگ و میر نوزادان، این رقم به طور چشمگیری در ژاپن، هنگ کنگ و سنگاپور پایین است. میزان کالری مصرفی روزانه هر فرد در ویتنام، اندونزی و فیلیپین کمتر از سایر نقاط جهان است ولی این رقمها تا هنگامی که داده‌هایی در مورد کیفیت رژیم غذایی نداریم هیچ نکته با اهمیتی را آشکار نخواهد کرد. در هنگام مقایسه استانداردهای جهانی، اگر چه باید به داده‌های بیشتری در مورد بعضی از کشورها دست یابیم اما هیچیک از این شاخصها نگران کننده نیستند. با وجود این مشکل ذخیره غذایی در کشورهای در حال توسعه به هیچ وجه حل نشده است. اگر چه آمار تولید غذا از آمار رشد جمعیت در اکثر نواحی به استثنای کشورهای شبه‌صحرائی افریقای پیشین گرفته و از سال ۱۹۶۰ انقلاب تکنولوژی سبز این امکان فراهم کرده است که مواد غذایی بیشتری وارد آسیای جنوبی شود لیکن تدوین فهرستی از واقعیت‌ها جهت نشان دادن اینکه چه کارهای دیگری هنوز لازم است تا در جهان در حال توسعه انجام شود، کار آسانی است. یک میلیارد نفر با رژیم غذایی فاقد کالری لازم یک میلیارد نفر بدون امکان دستیابی به آب آشامیدنی سالم و ۱/۹ میلیارد نفر بدون امکان برخورداری از بهداشت در جهان زندگی می‌کنند. ۱۹۲ میلیون کودک دچار سوء تغذیه می‌باشند.

میانگین نسبت پزشکان به هر ۱۰۰۰۰۰ نفر ۴/۸ نفر در کشورهایی که از کمترین حد توسعه برخوردارند و ۲۱۰ نفر در کشورهای توسعه یافته است و اکثر امکانات بهداشتی کشورهای در حال توسعه در شهرها و دور از دسترس اکثریت مردم قرار دارد.

همچنین مشکل بیماری ایدز و ویروس HIV مخصوصاً در افریقای جنوبی وجود دارد و در بوستوانا، مالاوی، اوگاندا، زامبیا و زیمبابوه در حال حاضر اصلی‌ترین دلیل مرگ و میر افراد ۱۵ الی ۳۹ ساله است. در کشورهای شبه‌صحرائی افریقا، ویروس HIV اساساً از طریق روابط جنسی غیر همجنس و در دوران جنینی کودکان در درون رحم در هنگام زایمان یا پس از تولد از طریق شیر مادر منتقل می‌شود. این موضوع باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد که در سرتاسر کشورهای شبه‌صحرائی افریقا آمار مبتلایان

به ایدز ۱۲/۴ در هر هزار نفر است (کمتر از آمار ۲۲/۷ ایالات متحده آمریکا) اگر چه در زیمبابوه این رقم به ۹۶/۷ در هر هزار نفر می‌رسد. این موارد هر چه که باشد بر طول عمر، مرگ و میر کودکان، رشد جمعیت، هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و ظرفیت تولیدی اقتصاد تأثیر دارد. ولی این جنبه‌ها چه از تباطوی با جنبه‌های توسعه دارد؟ اگر چه این جنبه‌ها تعریف شده، در مورد سنجش قرار می‌گیرد قطعاً می‌توان گفت تاحدی بهداشت و تغذیه خوب به طور مستقیم از توسعه نشأت می‌گیرد. با وجود این جدا از تمام جنبه‌های اخلاقی و انسان دوستانه این بحث، این نوشته به تأثیر مثبت بهداشت و تغذیه مناسب بر بهره‌وری مخصوصاً در زمینه کشاورزی اشاره می‌کند. افزایش بهره‌وری در کار و توانایی کودکان در یادگیری با وضعیت بهداشتی مطلوب در ارتباط می‌باشد.

جدول (۲): برخی از شاخصهای بهداشتی در چند کشور

| کشور | میزان دستیابی به آب سالم (% کل جمعیت) | میزان دستیابی به بهداشت (% کل جمعیت) | آمار مرگ و میر کودکان (به ازای هر ۱۰۰۰ تولد) |
|----------|---------------------------------------|--------------------------------------|--|
| آنگولا | ۳۲ | ۱۶ | ۱۲۴ |
| بنگلادش | ۷۹ | ۳۵ | ۷۷ |
| برزیل | ۷۲ | ۴۱ | ۷۶ |
| غنا | ۵۶ | ۲۷ | ۷۱ |
| هوندوراس | ۶۵ | ۶۲ | ۴۴ |
| مالاوی | ۴۵ | ۵۳ | ۱۳۳ |
| نیجریه | ۳۹ | ۳۶ | ۷۸ |
| سیرالئون | ۳۴ | ۱۱ | ۱۳۴ |
| سنگاپور | ۱۰۰ | ۹۷ | ۴ |
| اوگاندا | ۳۴ | ۵۷ | ۹۹ |
| زیمبابوه | ۷۴ | ۵۸ | ۵۶ |

(منبع: بانک جهانی ۱۹۹۹)

در طول سالهای متمادی مطالعاتی در چین انجام شده و نشان داده است که سوء تغذیه پسر و تنبلی و اسرزی باعث می‌گردد تا کودکان در تست‌های شناختی و در عملکرد خود در مدرسه امتیازات پایینی را کسب کنند و در اندونزی پژوهش‌های انجام شده نشان داده است که کمبود یُد باعث کاهش عملکرد شناختی کودکان ۹ الی ۱۲ ساله می‌گردد.

تحصیلات

در جدول (۳) تحصیلات با درصد ثبت نام شوندگان گروه‌های سنی مدارس راهنمایی و ابتدایی در تعدادی از کشورها نشان داده شده است. تفاوت‌هایی که بین این کشورها وجود دارد در مقطع ابتدایی کمتر، و در خود کشور یا بین کشورهای مختلف تغییرات چشمگیری می‌یابد. این تفاوتها قابل پیش بینی هستند و بیانگر اهمیت آموزش و تحصیلات



از سویی دیگر آموزش موضوعی گسترده و واژه‌های مبهم است و تمام انواع و کیفیت‌های گوناگون تعلیمات را شامل می‌گردد. ممکن است این سؤال پرسیده شود که آیا آموزش در مفهوم محدود آکادمیک الزاماً جهت پیشرفت جهان در حال توسعه و جهت توسعه اقتصادی کشورهای که از نظر تکنولوژیک پیشرفته هستند ضروری و مفید است یا خیر. و اینکه از دیدگاه فرهنگی آیا آموزش می‌تواند امری مطلوب باشد یا خیر. آموزشی که در خدمت سیاسی شدن، برای ترویج کردن یک ایدئولوژی جهت تسویق مردم به فرمانبرداری بی چون چرنا و نفی فردگرایی و نقد قدرت قدم برمی‌دارد مطلوب یا ضروری است؟ آیا آموزش آکادمیک به مفهوم غربی آن می‌تواند مشوق نخبه‌گرایی و ایجاد تمایل جهت حقیر شمردن مشاغل بازرگانی، کشاورزی و صنعتی باشد یا خیر؟ بخش اعظمی از مطالب بر روی این سؤالات و سازمان خاصی که سیستم آموزشی هر کشور باید داشته باشد متمرکز شده و به نظر می‌رسد که امکان اتخاذ هرگونه تصمیمی اندک است. قبلاً اشاره شد که نقش آموزش و شکلهای آن برای جمعیت پراکنده، روستایی و مسلمان اندونزی، برای جمعیت انبوه چینی‌ها که ساکن شهرهای مرفه سنگاپور هستند و برای جامعه روستایی چین که توسط نظام کمونیستی کنترل می‌شوند بسیار گوناگون است. مهم این است که آموزش سبب تربیت روشنفکران ناکارآمد نباشد ولی همچنین حفظ ارتباط نزدیک روشنفکران با شیوه زندگی جامعه خود امری بسیار مهم است. بایستی آموزش با نیازهای فنی و اجرایی هر جامعه‌ای همخوانی داشته باشد. این بدان معنی است که آموزش حتی به شکل کوتاه مدت، بدون بهره‌مندی از تجملات تحصیلات بلندمدت و رسمی‌تر آموزش دانشگاهی در برخی از شرایط می‌تواند مناسبترین شکل آموزش باشد.

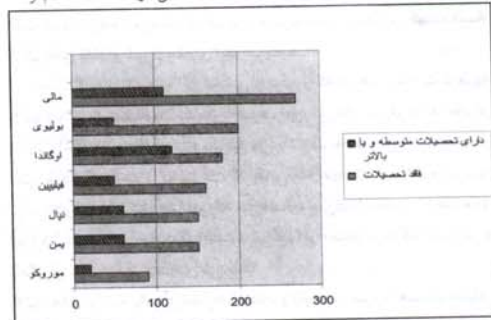
استراتژی‌های کاهش فقر در هندوستان مبتنی بر افزایش قدرت خرید مردم، افزایش امکان دستیابی و ارائه آموزش و بهداشت می‌باشد و سرمایه‌گذاری در این امور همراه با کاهش سایر هزینه‌های جانبی در اقتصاد کشور، سبب فراهم آوردن امکانات گسترده‌ای در زمینه ایجاد تحصیلات ابتدایی، بهتر شدن وضعیت بهداشت خانواده، کوچکتر شدن خانواده‌ها و تولد کودکان سالمتر از مادران تحصیل کرده شده است. برخورداری مادران از تحصیلات ابتدایی، حتی بیش از کمکهای مالی دولت می‌تواند باعث بهبود وضعیت تغذیه کودکان گردد. کارگران تحصیل کرده می‌توانند با تقاضای کار جهت افزایش میزان کارایی و درآمد از روند رشد و توسعه بهره بیشتری ببرند و چون والدین تحصیلکرده تمایل بیشتری برای فرستادن فرزندان خود به مدرسه دارند حتی اگر مدرسه رفتن آنها به دوران ابتدایی محدود باشد) آموزش سبب تثبیت این بهره‌مندی از نسلی به نسل دیگر می‌شود. شاید این امر تضاد نیست که ایالات کرالا (Kerala) با برخورداری از جنبه‌های توسعه و تأکید بسیار زیاد از دیدگاه سیاسی بر آموزش، از بالاترین سطح سواد مردان و زنان برخوردار بوده و در چهل سال اخیر سریعترین روند کاهش فقر را داشته است. اگر هند بخواهد به اهداف خود مبتنی بر مداوم نرخ بالای رشد اقتصادی توأم با عدالت اجتماعی دست یابد آنگاه باید گفت که شرایط تحصیل در آن کشور از نظر اقتصادی و اجتماعی از وضعیت

در کشورهای است که به سرعت روند توسعه را طی می‌کنند. تحقیقات اخیر همچنین به وجود ارتباط بسیاری بین برخورداری از تحصیلات دوره ابتدایی و رشد اقتصادی اشاره می‌کند. تحقیقاتی که در مالزی و کنیا انجام شده این موضوع را تأیید می‌کند که مدرسه رفتن سبب افزایش بازده کاری کشاورزان می‌شود.

جدول (۳): شاخصهای آموزشی در چند کشور

| کشور | ابتدایی | متوسطه |
|------------|---------|--------|
| برزیل | ۹۰ | ۱۹ |
| کاستاریکا | ۹۲ | ۴۳ |
| مصر | ۸۹ | ۶۵ |
| اندونزی | ۹۷ | ۴۲ |
| مالاوی | ۱۰۰ | ۶۶ |
| نامیبیا | ۹۲ | ۳۶ |
| نیکاراگوئه | ۸۳ | ۲۷ |
| فیلیپین | ۱۰۰ | ۶۰ |
| ونزوئلا | ۸۸ | ۲۰ |
| زامبیا | ۷۷ | ۱۶ |

یادآوری: ارقام فوق نشانگر درصد گروههای سنی ثبت نام شده در مدارس ابتدایی و متوسطه می‌باشند. سطح سواد به طور متوسط بین کشورهای که از کمترین حد توسعه برخوردارند ۴۵ درصد و در سایر کشورهای در حال توسعه ۶۴ درصد برآورد شده ولی دانستن این موضوع دارای اهمیت است که در ارائه چنین رقمهای میانگینی، موارد استثنایی کلیدی نظیر کشور کوبا، که می‌تواند درسهای بسیار مهمی در مورد سیاستهای توسعه بنفاد، نادیده گرفته شده است. واضح است که سرمایه‌گذاری در امر آموزش به دلایل بسیار با ارزش است مثلاً: کشاورزان تحصیل کرده به احتمال زیاد بیشتر می‌توانند از امکانات تکنولوژیک استفاده کنند و محصولات بیشتری را از زمین خود برداشت کنند. آموزش و تحصیلات تنها در زمینه بازار کار سبب ایجاد پیشرفت و توسعه نمی‌گردد. تخمین زده شده است که یک سال آموزش زنان سبب ۹٪ کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال می‌شود. در سایر زمینه‌ها هم همینطور است. کودکی که دارای مادران تحصیل کرده هستند سالم‌ترند.



نگاره (۲): نسبت مرگ و میر کودکان زیر پنج سال بامیزان تحصیلات مادران



مطلوبی برخوردار نخواهد بود. این امر مستلزم اتخاذ تدابیری است که از نظر کمی و کیفی سبب افزایش امکان تحصیل گردد و انحصاری گریهای اجتماعی را که بر مبنای درآمد، جنسیت یا طبقه اجتماعی صورت می‌پذیرد حذف نماید. این مشکلات در ایالت‌های بی‌هار، مدیابادش، اوریسا، راجاستان، آتارپرداش وینگال غربی متمرکز شده است. علیرغم دستاوردهای چشمگیر پروژه آموزش ابتدایی منطقه DPEP (District Primary Education Project) در افزایش ثبت نام افرادی که سطح تحصیلات آنها پایین‌تر از مقطع ابتدایی است، همچنان دوسوم جمعیت سی و سه میلیونی ۶۰ الی ۱۰ ساله ساکن این هفت ایالت هنوز به مدرسه نمی‌روند.

نحوه بکارگیری روشهایی برای کشاندن بچه‌های فقیرتر به مدرسه هنوز مشخص نیست. موفقیت هنگامی حاصل می‌شود که به پیامدهای سیاسی آموزش کودکان فقیر کاملاً پایبند باشیم. کاملاً آشکار است که در این صورت پول بیشتری صرف هزینه‌های آموزشی خواهد شد لیکن یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که صرفاً افزایش مالیگی که صرف هزینه‌های آموزشی می‌گردد به خودی خود برای بهبود وضع ثبت نام و آموزش کافی نیست. بهبود کیفیت آموزش برای کشاندن دانش‌آموزان به مدرسه و نگه داشتن آنها بسیار ضروری است. این بدان دلیل است که فرصتهای کسب درآمد برای آنان و خانواده‌هایشان زیاد بوده و اگر کودکان احساس کنند که مدرسه رفتن برای آنها تنها اتلاف وقت است مدرسه را رها خواهند کرد.

بهبود کیفیت آموزش مستلزم انجام اصلاحات بنیادین جهت تغییر چارچوب‌های انگیزشی معلمان، مسئولان مدرسه، مسئولان امور اداری و سیاست‌گذاران است. این اصلاحات شامل تمرکززدایی نظارت استانی و واگذاری آن به مناطق محلی، مشارکت مستقیم والدین، رقابت از نظر انتخاب مدرسه و شرکت در فعالیتهای گروهی است ولی افزایش کیفیت به‌اندازه افزایش هزینه‌ها کارآسانی نیست و داشتن اطلاعات پیرامون فعالیتهایی که در سایر نقاط جهان و در هندوستان انجام می‌شود در مورد تعیین طرح کلی سیستم آموزشی کارآمد لازم است. اعمال برنامه‌های مؤثر بهداشتی با افزایش بهره‌وری بالقوه کار و کاهش فقر می‌تواند مکمل آموزش باشد. در حال حاضر هزینه‌های بهداشت عمومی تنها دارای تأثیری کوتاه و موقتی می‌باشد. علیرغم پراکندگی نسبتاً متعادل این خدمات، فقط درصد کمی از کل جمعیت به طور همگانی از آن استفاده می‌کنند و تأثیری که این خدمات بر وضع سلامت عمومی دارد از دورانی به دوران دیگر و از مکانی به مکان دیگر منصوصاً در رابطه با افراد فقیر بسیار متفاوت است. به منظور افزایش تأثیر هزینه‌های انجام شده بر روی سلامت قشر فقیر جامعه و در واقع بر وضع کلی اقتصاد چهار نوع اولویت باید لحاظ گردد:

نخست دانستن این مطلب است که مبارزه با بیماریهای مسری و توسعه اقداماتی که در جهت سلامت عمومی انجام می‌شود به افراد فقیر هزینه‌های بسیار سنگینی را تحمیل می‌کند و این موضوعی است که باید مورد توجه قرار گیرد. دوم اصلاح شیوه دستیابی به منابع آب سالم و امکانات بهداشتی و واکسیناسیون است که سبب کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان و میزان زاد

و ولد شده و سبب بهبود وضعیت سلامت مادران می‌شود. از آنجایی که از این فعالیتهای اکثریت اقشار فقیر و کم درآمد جامعه در مقایسه با سایر افراد بهره کمتری می‌برند، اقدامات عمومی که در این زمینه‌ها انجام می‌شود بیشترین تأثیر را بر این قشر خواهد داشت. چون تقاضا برای این امکانات و کالاهای بسیار بالا بوده و توسعه این سیستم را شامل می‌گردد. هزینه خالصی که دولت صرف توسعه امکانات آب و بهداشت افراد فقیر می‌نماید بسیار بالاست. سوم در بررسیهایی که در هند صورت گرفته نشان داده است که آموزشهای سلامتی در رابطه با بهداشت پایه، ارزش تغذیه بهتر، مراقبتهای جلوگیری کننده نظیر مبارزه عمومی بر ضد مصرف تنباکو، اتخاذ تدابیر مناسب جهت پرهیز از تماس با افرادی که ناقل ویروس HIV و یا سایر بیماریهای مقاربتی هستند، بخش مهمی از اقدامات ضروری جهت ترویج تغییر رفتار مردم به منظور انجام اصلاحات بلندمدت در زمینه اقدامات بهداشتی است.

چهارم از آنجایی که روستائیان فقیر همواره باید بار مالی هزینه‌های درمانی را از طریق قرض یا فروش اجباری املاک خود و یا کاهش میزان تغذیه و سایر موارد مهم مصرفی تقبل نمایند، شایسته است که برای این افراد کمک هزینه‌هایی جهت انجام درمانهای بیمارستانی در نظر گرفته شود. اختصاص دادن این کمک هزینه‌ها به بیمه اجتماعی مؤثرترین شیوه ارائه خدمات می‌باشد. از این طریق ۴۰ الی ۷۰ درصد از هزینه‌های خدمات درمانی ۴۰ درصد از کل جمعیت - یعنی افرادی که برای آنان بهره‌مندی از بیمه یک انتخاب واقع گرایانه نیست - پرداخت می‌شود. اعطای کمکهای مالی به افرادی که نیازمند مراقبت‌های بیمارستانی هستند تا زمانی که سیستم‌های ارجاعی طوری اصلاح نشده است که بتوان میزان دستیابی افراد به این خدمات را براساس نیازهای آنها و نه درآمد و موقعیت اجتماعی آنها تضمین نمود نقش مهمی را در جهت فراگیر کردن این خدمات ایفا می‌کند.

مورد افریقا

در افریقا تعداد کودکانی که اصلاً به مدرسه نمی‌روند روزه روز بیشتر می‌شود، با توجه به آمار یونیسف تقریباً ۴۰ میلیون کودک در مناطق شبه صحرايي افریقا از هیچگونه آموزش ابتدایی برخوردار نیستند. این امر به علت کمبود بودجه می‌باشد که آن نیز به نوبه خود منعکس کننده فشار قرض‌های کلان و شیوع بیماری ایدز می‌باشد.

اغلب گفته می‌شود که اگر بخشی از پولی را که صرف پرداخت قرضها، یا صرف خرید تسلیحات شده و یا صرف آموزش عالی می‌گردد به آموزش ابتدایی اختصاص یافته و نوع نگرش مردم نسبت به آموزش دختران دچار تغییر و دگرگونی شود، به سرعت افریقایی‌ها از مهارت خواندن و نوشتن برخوردار خواهند شد. همانطور که سن اشاره می‌کند (بخشی از جامعه را آموزش دهید و کل جامعه از آن سود می‌برد) او معتقد است که آموزش و یادگیری سبب رشد اقتصادی می‌شود.

کشورهای توسعه یافته‌ای نظیر انگلستان و ژاپن در مورد اهمیت حیاتی آموزش دوران مدرسه شواهد قابل قبولی را ارائه می‌دهند. در ژاپن در دوران

بازسازی می‌جی در سال ۱۸۶۸ تنها ۱۵ درصد جمعیت باسواد بودند. با این وجود در سال ۱۸۷۲ آموزش دوران ابتدایی در سراسر ژاپن اجباری شد و بعدها در مستعمره‌های ژاپن یعنی کره و تایوان، آموزش و سواد تبدیل به مهم‌ترین محور برنامه‌ریزیهای توسعه گردید.

نتیجه‌گیری

اغلب به بعضی از ویژگی‌های اشاراتی می‌شود ولی در مورد آن ویژگی‌ها اطلاعات قرص و محکمی وجود ندارد. این مسئله به عنوان مثال در مورد نگرشها و ظرفیت‌های کار نیز صادق است. همانطور که در بالا اشاره کردیم بعضی از نویسندگان به تأثیر وجود ویژگی‌هایی نظیر نژادکاری یا عدم وجود آن در میان گروه‌های خاص اشاره می‌کنند. به جز عوامل جبری نظیر شرایط آب و هوایی که در این بحث قبلاً به آن اشاره شد عواملی نظیر تفاوت‌های قومی و نژادی بیانگر این مسئله هستند که چرا چینی‌هایی که ساکن مالایا هستند خیلی بیشتر از بومی‌های مالایا قابل اعتماد و موفق هستند. ولی آیا این تفاوت‌ها ذاتی است؟ یا اینکه این تفاوت‌ها باز نمود برخی ویژگی‌های فرهنگی نظیر مذهب یا مجموعه ارزش‌ها است؟ در اینجا بهتر است اشاره کنیم که تواناییها و انرژی کاری، خلاقیت، استقلال و علاقه‌مندی در کار ویژگی‌های نژادی هستند که منعکس کننده قومیت، مذهب یا فرهنگ فرد یا گروه نبوده بلکه بیانگر نوعی چارچوب نهادگونه است که این فرصت را فراهم می‌کند تا قدرت خلاقیت و جاه‌طلبی‌ها آزادانه شکوفا شده و عمل نماید. آیا در مورد چینی‌ها می‌توانیم بگوییم که چارچوب نهادینه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور و کنترل حکومتی، جمع‌گرایی و کل ارکان حکومت کمونیستی آن کشور، در سال‌های اخیر مسبب عملکرد اقتصادی توأم با سیستم بوروکراسی شدید و ناکارآمدی آن کشور بوده است؟ بالاخره همه چینی‌های با انگیزه و موفق هنگ کنگ، تایوان، سنگاپور در اصل از چین آمده‌اند. بنابراین برای توضیح دلیل موفقیت چینی‌ها مطرح کردن ویژگی‌های «ذاتی» کمی شک برانگیز است. بخش اعظم این بحث براساس شواهد ناپایدار و شک‌آمیز بین روابط منابع انسانی و توسعه شکل گرفته است ولی هیچ‌گونه ارتباط علت و معلولی وجود ندارد. حتی هنگامی که بحث در مورد کیفیت منابع انسانی است آیا می‌توان اینطور ادعا کرد که وجود استعدادها متفاوت در بین افراد سبب می‌گردد که برخی از این گروه‌ها از نظر فرایند توسعه کارآمدتر عمل کنند؟

مغالذک این بحث تا جایی پیش می‌رود که به این نقطه می‌رسد که منابع طبیعی و انسانی به ندرت می‌توانند به عنوان عوامل تعیین کننده و حتی مرتبط در فرایند توسعه به حساب آیند. در هر حال هر حکومتی، هر سیستم اقتصادی باید در حوزه منابع خود عمل کند و ترکیب خاص منابع طبیعی میراث فرهنگی آن سیستم می‌باشد.

حقوق انسانی

تعیین دقیق جایگاه حقوق بشر کار دشواری است. این موضوع در بحث پناهنده‌ها مطرح شد و بسیاری از محققان معتقدند که این واژه بر این

حقیقت دلالت دارد که بسیاری (اگر نگوئیم اکثریت مردم) از مردم در کشورهای در حال توسعه، نیازهای اساسی «حقوق انسانی» جهت بهره‌مندی از مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و مسکن مناسب برخوردار نیستند. به عبارت دیگر حقوق انسانی اکثرأ در نقاطی که بیشترین میزان فقر وجود دارد رعایت نمی‌شود. این تعریف گسترده از واژه حقوق انسانی البته درست است ولی اکثرأ این کلمه را موقعی به کار می‌برند که بخواهند به شرایطی اشاره کنند که در آن افراد جامعه در معرض خشونت، شکنجه، تبعید و رکود قرار بگیرند. این فرضیه وجود دارد که حقوق انسانی در کشورهایی که رسماً دارای حکومت دموکراتیک هستند به بهترین نحو رعایت می‌شود و در این کشورها شواهد بهتری از رعایت این حقوق وجود دارد. همانطور که نوآک و سوین هرت نشان داده‌اند در صد کشورهایی که به طور رسمی دارای نظام دموکراتیک هستند از ۲۵ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۶۸ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است.

قطعاً شواهدی مبنی بر عدم رعایت حقوق بشر در بسیاری از حکومتها دیده می‌شود ولی اغلب دانشن این موضوع دشوار است که به جز فشارهای بین‌المللی سایر حکومتها در این رابطه چه کاری می‌توان انجام داد. کنفرانس حقوق بشر ۱۹۹۳ وین بر رعایت گروه خاصی از جمعیت نظیر: زنان، گروه‌های مذهبی و سایر اقلیتها تأکید نمود. سایر دولتها باید تصمیم خود را بگیرند که آیا به رابطه خود با کشورهای نقض کننده حقوق بشر ادامه دهند یا خیر؟ و یا از اعطای هرگونه کمک به این کشورها سر باز زنند؟ چرا که تقریباً تمامی این کشورها به شدت بر این موضوع تأکید دارند که حقوق بشر یکی از موضوعات مورد توجه آنهاست.

منابع و مآخذ

- ۱- پولارد، اچ، روشهای تحلیل جمعیت، ترجمه، آقاود یگان، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۵.
- ۲- مجله (People) شماره ۲۷، سال ۱۹۹۷.
- ۳- مقدمه‌ای بر مبنای جمعیت‌شناسی، محمد تقی شیفی آرام، ۱۳۷۶.
- ۴- مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (جمعیت) حبیب... زنجانی، ۱۳۷۸.
- ۵- جمعیت‌شناسی اجتماعی، رولان پرسا، ترجمه دکتر محسنی، ۱۳۸۰.
- ۶- نشریه برگزیده مطالب آماری، شماره ۱۷، خرداد و تیر ۱۳۸۱.
- ۷- جغرافیای نابری‌ها، پیروز، ترجمه فروزان خزان، نشر نیکان، مشهد، ۱۳۷۹.
- ۸- جهان سوم، ژواد عون، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات چا پخش، ۱۳۷۹.
- ۹- جمعیت و جمعیت‌شناسی (دایره المعارف لاروس) گرانوئته برنارو، ترجمه حبیب... زنجانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۰- مجله کنونیست ۱۳ فوریه ۱۹۹۹ و پیترسون ۱۹۹۹، انتشارات تحقیقات جمعیت‌شناسی در دانشگاه فون.
- ۱۱- جغرافیای کم‌رشدی، ایولا کست، ترجمه دکتر سیروس سهامی، چاپخانه کوشش، مشهد، ۱۳۷۵.
- ۱۲- بانک جهانی (۱۹۹۹)
- ۱۳- ما کروبین الملل، سالهای مختلف، پس از بانکهای جهانی (۱۹۹۹).